



پل تاورنیه

Paul TAVERNIER

ترجمه:

دکتر ابراهیم بیگ زاده

دادگاه جزایی بین المللی:

تحوّلات اخیر



\_\_\_\_\_

### پشگفتار مترجم

فکر ایجاد یک دادگاه جزایی بین‌المللی از دیرباز وجود داشته است ولی این اندیشه که می‌رفت تا بعد از جنگ جهانی اول در اجرای ماده ۲۲۷ معاهده ورسای با محاکمه ویلهلم دوم امپراتور آلمان تحقق یابد به علت مخالفت هلند از استرداد نامبرده، عینیت نیافت و فقط بعد از جنگ دوم جهانی بود که توانست در قالب دادگاههای نورمبرگ و توکیو تحقق یابد. سازمان ملل متحد برای ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی، تلاشهایی را در چارچوب کمیسیون حقوق بین‌الملل آغاز نمود که سرانجام منجر به تدوین طرح اساسنامه یک دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۹۹۴ شد. مع‌هذا با وجود این تلاشها هنوز تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی جامه عمل به خود نبوشیده است.

تحولات جامعه بین‌المللی و فروپاشی بلوک شرق ضمن آنکه نوید بخش پایان حیات مارکسیسم بود، در ضمن خالق تراژدیهایی نیز بود که فجیع‌ترین آنها را در سرزمین بوسنی و هرزه‌گون شاهد بوده و هستیم. شورای امنیت، با توجه به عمق فاجعه، با تصویب قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ مبادرت به تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به

جنایات ارتكابی در سرزمین یوگسلاوی کرد.

افكار عمومی مردم جهان كه هنوز از شوک وارده توسط جنایات ارتكابی در سرزمین یوگسلاوی سابق رنج می برد یک بار دیگر شاهد سفاکیهایی بود که در آفریقا اتفاق افتادند. درگیریهای قومی، که شاید خود یادگار دوران استعمار باشد، سبب شد که قبیله هوتو (اکثریت) به قتل عام اعضای قبیله توتسی (اقلیت) در کشور رواندا بپردازد و جامعه بین المللی برای دومین بار نظاره گر ددمنشی انسانها نسبت به یکدیگر در پایان قرن بیستم باشد. همین امر سبب گردید که شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۹۵۵ اقدام به تشکیل دومین دادگاه جزایی بین المللی خاص برای رسیدگی به قتل عام و نقض حقوق بشر دوستانه در سرزمین رواندا و دولتهای همسایه آن نماید.

پرفسور پل تاورنیه، با آگاهی کامل از مسائل و مشکلات ناشی از تشکیل و عملکرد یک دادگاه جزایی بین المللی ابتدا طرح کمیسیون حقوق بین الملل برای تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی عام را مورد بررسی قرار می دهد و سپس دادگاههای جزایی بین المللی خاص برای یوگسلاوی سابق و رواندا را که شورای امنیت بوجود آورده است مورد مطالعه قرار می دهد.

## مقدمه

ایجاد یک دادگاه جزایی بین‌المللی اندیشه‌ایست قدیمی که بطور ادواری نمود می‌کند، بخصوص به مناسبت بروز جنگ‌های بین‌المللی که کره زمین را از پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به لرزه در آورده و اغلب منجر به تغییر آن چیزی شده است که به تعبیری آنرا «نظم جهانی» می‌گویند که بی‌شک ارجح است آنرا «بی‌نظمی جهانی» نامید.

مسئله تشکیل دادگاه جزایی بین‌المللی مدت‌مدتی است که در دستور کار سازمان ملل متحد قرار دارد، ولی تا این اواخر پیشرفت بسیار اندکی نموده بود. تنها سابقه‌ای که وجود داشت دادگاه نورمبرگ (برای اروپا) و دادگاه توکیو (برای آسیا) بود. مسئله تشکیل چنین دادگاهی تا بحال چندین بار مطرح شده است که از آنجمله در مورد ویتنام یا در خصوص جنگ عراق علیه ایران یا در مورد جنگ عراق علیه کویت می‌باشد.

ولی می‌بایست تا بروز حوادث در سرزمین یوگسلاوی سابق منتظر ماند تا جامعه جهانی بالاخره تصمیم به تشکیل یک دادگاه جزایی بین‌المللی براساس قطعنامه مصوب شورای امنیت، که مبتنی بر فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد است، بگیرد.

دومین دادگاه جزایی ویژه برای روآندا تشکیل شده است. معذک مشکلات حقوقی و عملی فراوانی وجود دارد که به کارگیری مؤثر محاکم ایجاد شده را با تأخیر مواجه می‌کند.

بهرحال ایجاد این دو دادگاه امکان داد تا تحرکی به کارهای کمیسیون حقوق بین الملل که سالهای متمادی است طرح اساسنامه یک دیوان کیفری بین المللی را تهیه نموده است داده شود. آنچه که ما در اینجا بطور خلاصه بیان میکنیم صورت فعلی تلاشهای فراوان و متنوع جامعه جهانی در اینمورد است.

### فصل اول

#### پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

##### الف- سوابق دور

مواد ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ معاهده ۱۹۱۹ ورسای «اولین قدم در راه ایجاد دادگاه جزایی بین المللی است که جانشین دادگاه سیاسی ای که تصمیم به تبعید و زندانی کردن ناپلئون اول در جزیره سنت هلن گرفته بود میگردد» (J. Descheemaker). معذک فقط ماده ۲۲۷ به تشکیل یک دادگاه بین المللی واقعی تصریح می‌کشد: طبق این ماده ویلهلم دوم (امپراتور آلمان) متهم به «تجاوز به حریم اخلاق بین المللی و معاهدات» شده بود؛ این ماده تشکیل یک دادگاه ویژه مرکب از پنج قاضی از کشورهای ایالات متحد آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن را پیش بینی کرده بود. در عوض، مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ در مورد محاکمه جنایتکاران جنگی از چندان صراحتی برخوردار نبودند. در عمل ماده ۲۲۷ اجرا نشد چونکه هلند از استرداد گیوم دوم امتناع نمود و او توانست روزهای آرام و امنی را تا پایان عمر یعنی تا سال ۱۹۴۱ در آن کشور بگذراند. محاکمه جنایتکاران جنگی نیز به آلمان سپرده شد، ولی در حالیکه متفقین فهرستی حاوی نام ۹۰۰ نفر را تهیه کرده بودند، آلمان فقط محاکمه ۴۵ نفر را پذیرفت و تنها ۱۲ نفر از آن میان محاکمه شدند که شش نفر از این

تعداد به مجازاتهای نسبتاً جزئی محکوم شدند. تجربه ورسای به عنوان اولین تلاش جهت ایجاد یک دادگاه جزایی بین‌المللی سرانجام با شکست مواجه شد. پس از آن اعطای صلاحیت جزایی به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مورد توجه واقع شد و مسأله مسئولیت جزایی بین‌المللی در میان دو جنگ جهانی بطور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفت. حتی طرح کنوانسیون برای ایجاد یک دیوان جزایی بین‌المللی نیز در ۱۹۳۷ تهیه شد.

با ایجاد دادگاههای نورمبرگ و توکیو در ۱۹۴۵ مفهوم دادگاه جزایی بین‌المللی وارد قلمرو حقوق موضوعه می‌گردد. مع‌هذا به هر میزان که این سوابق اهمیت می‌داشتند باز تجاربی محدود و گذرا بودند. ولی در عین حال سبب برانگیختن بحثهایی در چارچوب سازمان ملل متحد شدند. مجمع عمومی در قطعنامه‌های ۳ و (۱) ۹۶ مورخ ۱۳ فوریه و ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اصول نورمبرگ را تأیید نمود. مجمع عمومی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل را مسؤل تنظیم کردن این اصول نمود، و کمیسیون از ۱۹۵۰ شروع به این کار کرد.

### ب- کارهای کمیسیون حقوق بین‌الملل

مجمع عمومی همچنین تهیه طرح مجموعه مقررات کیفری برای جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری را به کمیسیون حقوق بین‌الملل سپرد. یک طرح بازنگری شده در ۱۹۵۴ تصویب شد، ولی مجمع عمومی تصمیم گرفت که مذاکرات تا مشخص شدن تعریف «تجاوز» به تعویق افتد. تجاوز در ۱۹۷۴ تعریف شد.<sup>۱</sup> از آن پس کمیسیون حقوق بین‌الملل مسأله را مجدداً در دستور کار خود قرار داده و آنرا با تأنی عاقلانه‌ای بررسی کرده است. به موازات این مسأله ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی نیز از ۱۹۴۸ در دستور کار قرار گرفت ولی کارهای انجام شده به نتیجه‌ای منجر نگردید تا آنکه فعالیت کمیسیون مجدداً از ۱۹۸۹ از سر گرفته شد.

۱. بر اساس قطعنامه مصوب بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی در ۱۹۷۴ «تجاوز عبارت است از بکارگیری نیروهای مسلح توسط یک کشور بر ضد حاکمیت، تمامت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر و با به هر طریق دیگری که با منشور ملل متحد مابینت داشته باشد».

برخی از اعضای کمیسیون به این مسأله با دیده شک نگریسته‌اند. در ۱۹۹۱ آقای محمد بنونا،<sup>۱</sup> رئیس فعلی مؤسسه جهان عرب در پاریس، می‌نویسد «مانند «هیولای دریاچه نس»<sup>۲</sup> دادگاه جزایی بین‌المللی که بعد از پیدایش زودگذرش پس از جنگ دوم جهانی از اوهام مردم رخت بر بسته و به وادی فراموشی سپرده شده بود، از نو ظهور کرده است». به نظر او «ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی یک بازی خیالی است» که «حتی تمرینش میتواند خطرناک باشد چنانچه توسط حاکمیت‌های موجود برای تضمین امور انجام شده یاتسکین بخشیدن به وجدانهای حاکم به تباهی کشیده شود».

کمیسیون حقوق بین‌الملل، علیرغم چنین مدعایی، طرح اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را در ۱۹۹۳ تنظیم نمود. مذاکره‌ای در چارچوب کمیسیون ششم<sup>۳</sup> انجام گرفت و مجمع عمومی از دولتها خواست تا نظرات خود را به دبیرکل سازمان تسلیم نمایند. کمیسیون حقوق بین‌الملل سرانجام در ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۴ طرح اساسنامه یک دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب کرد و به مجمع عمومی توصیه نمود که مبادرت به تشکیل کنفرانسی دیپلماتیک با حضور دولتها برای مطالعه طرح اساسنامه و همچنین انعقاد کنوانسیون برای تشکیل دیوان بنماید. مجمع عمومی در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ تصمیم به تشکیل کمیته ویژه‌ای گرفت که مسؤل بررسی مسائل اداری و مالی ناشی از طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل است. این کمیته ویژه در حال حاضر تشکیل شده است (از ۳ تا ۱۳ آوریل ۱۹۹۵) و مجمع عمومی ممکن است مجبور به تشکیل کنفرانسی دیپلماتیک در جریان پنجاهمین اجلاس خود گردد.

۲. محمد بنونا (Mohamed BENNOUNA) مراکشی است و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه رباط می‌باشد.

۳. «هیولای دریاچه نس» در واقع انعکاس نوری است که هر از گاهی در دریاچه نس واقع در اسکاتلند به چشم می‌خورد و بعد ناپدید می‌شود و سبب شده است تا مردم افسانه‌هایی را در این مورد وجود یک هیولا در این دریاچه نقل کنند.

۴. کمیسیون ششم، کمیسیون حقوقی مجمع عمومی است.



طرح کمیسیون حقوق بین الملل حاوی شصت ماده به همراه توضیحات ماهوی می باشد. این طرح حاوی هشت بخش بشرح زیر است:

- ایجاد دیوان
- ترکیب و اداره
- صلاحیت
- تحقیق و تعقیب
- محاکمه
- استیناف و تجدیدنظر
- همکاری بین المللی و معاضدت قضایی
- اجرا

در عوض، طرح حاوی شرایط نهایی<sup>۵</sup> نیست و مسائل مهمی می بایست حل شوند؛ مانند تعداد اسناد تصویب مورد نیاز برای لازم الاجرا شدن اساسنامه، مسأله حق شرط یا حق تحقق، مسائل مالی دیوان و غیره. همچنین کمیسیون حقوق بین الملل در مورد ارتباطاتی که باید میان دیوان کیفری بین المللی و سازمان ملل متحد برقرار شود اظهارنظری نکرده است، چیزی که مسائل زیادی را مطرح می نماید: کمیسیون فقط به بیان موارد اصلی بسنده کرده است.

تصویب طرح اساسنامه یک دیوان کیفری بین المللی نشان دهنده مرحله مهمی است. در واقع بگرات مخاصمات بین المللی حاد توجه را به وجود یک خلاء بزرگ در حقوق بین الملل و جامعه بین المللی جلب کرده است. این را می توان به خصوص در جنگ عراق - ایران ۱۹۸۸-۱۹۸۰ و در جنگ کویت (۱۹۹۰-۱۹۹۱) ملاحظه نمود که در آن احتمال محاکمه صدام حسین در مقابل یک دادگاه جزایی بین المللی، بخصوص توسط پرفسور جمشید ممتاز، طرح شده بود. بی شک سفاکیهای انجام شده در سرزمین یوگسلاوی سابق و ایجاد دادگاه ویژه به کارهای کمیسیون حقوق بین الملل برای ایجاد یک دیوان سرعت بخشیده اند، دیوانی که یک نهاد دائمی و جهانی خواهد بود و مختص یک مخاصمه مشخص نمی باشد.

5. Final clauses یا Los clauses finales.

بعلاوه، طرح ۱۹۹۲ در بسیاری از موارد تجربه حاصل از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق را مدنظر قرار داده است (یعنی از اساسنامه و آئین‌نامه داخلی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق استفاده کرده است).

## فصل دوم

## دادگاههای جزایی بین‌المللی ویژه

## الف- ایجاد دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

شورای امنیت در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ با تصویب قطعنامه ۸۰۸ تصمیم به «تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه اشخاصی که متهم به تجاوز شدید، به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق از اول ژانویه ۱۹۹۱ می‌باشند» گرفت. این تصمیم در ۲۵ مه در یک قطعنامه جدید (قطعنامه ۸۲۷) تأیید شد؛ قطعنامه اخیر دادگاه را بطور واقعی با تصویب اساسنامه‌اش به شکلی که دبیرکل در گزارش خود پیشنهاد نموده بود، ایجاد کرد. البته رخدادها نیز بنفع ایجاد چنین محکمه‌ای بوده است چونکه تنفر از جنایاتی که در سرزمین یوگسلاوی سابق اتفاق افتاده، سبب تحریک افکار عمومی در سطح وسیع شده است که سازمان ملل متحد، بخصوص به کمک گزارش‌های تکان‌دهنده آقای مازوویکی،<sup>۷</sup> مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر، منعکس کننده آن بوده است. در اوایل سال ۱۹۹۳ طرح‌های ملی زیادی در فرانسه، در ایتالیا، در روسیه فدراتیو و در ایالات متحد آمریکا تهیه شده‌اند، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و سازمان کنفرانس اسلامی نیز نقطه نظرات و پیشنهادات خود را ارائه نموده‌اند.

۶. خاطر نشان می‌سازد که مراد از حقوق بشردوستانه بطور عمده چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل ۱۹۷۷ ژنو منضم به این کنوانسیونها می‌باشد. این کنوانسیونها و پروتکلها حاوی مقرراتی است که در هنگام بروز مخاصمات لازم الاجرا می‌شوند.

قطعنامه ۸۰۸ بطور ضمنی مبتنی بر فصل هفتم منشور است. این قطعنامه همچنین با برقراری ارتباط میان حفظ صلح و رعایت حقوق بشر دوستانه، سهمی را که ایجاد این دادگاه در استقرار مجدد و حفظ صلح خواهد داشت متذکر می‌گردد. بهر حال عده‌ای معتقدند که این تصمیم شورای امنیت (تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی) بیانگر شکست و عدم توانایی آن در تحمیل یک راه حل می‌باشد.

این حقیقت وجود دارد که قطعنامه ۸۲۷ به صراحت به فصل هفتم منشور اشاره دارد و آن موجب می‌شود تا نظر عمومی بر الزامی بودن این تصمیم شورای امنیت برای کلیه دولتها باشد. معذک باید در مورد آثار ناشی از تصمیمات مبتنی بر فصل هفتم منشور بسیار محتاط بود. از سوی دیگر، شورای امنیت فقط بر طرح اساسنامه منضم به گزارش ۳ مه ۱۹۹۳ دبیرکل صحنه گذاشته است، بدون اینکه هیچگونه تغییری در آن بدهد. این بیانگر آنستکه دبیرکل و بطور مشخص تر سرویس حقوقی نقش اصلی و شاید بیش از حدی در تهیه قواعد مربوط به عملکرد و وظایف محوله به دادگاه را داشته است.

شورای امنیت تصمیم به تشکیل یک دادگاه بین‌المللی گرفته است که «هدفش فقط محاکمه اشخاصی است که متهم به نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق بین اول ژانویه ۱۹۹۱ تا تاریخی که شورای امنیت بعد از استقرار مجدد صلح تعیین خواهد کرد هستند». اساسنامه دادگاه در برگیرنده سی و چهار ماده است. گزارش دبیرکل حاوی نکات دقیق و جالبی در مورد مبانی حقوقی ایجاد دادگاه، صلاحیت (موضوعی، شخصی، محلی و زمانی)، سازمان و تشکیلات و آئین دادرسی آن می‌باشد.

دادگاه دارای دو شعبه برای رسیدگی بدوی متشکل از سه قاضی و یک شعبه استینافی متشکل از پنج قاضی است. بعلاوه دادستان نقش قابل ملاحظه‌ای دارد چونکه او «مسؤل تحقیق در پرونده‌ها و تعقیب عاملان تجاوزهای شدید به حقوق بین‌الملل بشر. دوستانه می‌باشد (ماده ۱۶ اساسنامه) و اوست که کیفرخواست صادر می‌کند (ماده ۱۸ اساسنامه).

دادگاه دارای یک مدیر دفتر است که میان شعب و دادستان مشترک است (ماده ۱۱ اساسنامه). ماده ۲۱ اساسنامه از اهمیت خاصی برخوردار است چونکه حقوق متهم را پیش بینی می کند که برائت متهم (بند ۳) و حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه (بند ۴) می باشند. این حقوق در واقع حقوقی است که در ماده ۱۴ بند ۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ اعلام شده اند. شق دال از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق فوق، حق متهم را برای حضور در جلسه دادرسی اعلام میکند، که وجود این حق امکان محاکمه غیابی را از میان می برد. در واقع، تعداد زیادی از دولتها، بخصوص دولتهای انگلو ساکسون، تمایل کم و حتی مخالفت خود را با امکان محاکمه غیابی اعلام کرده اند چرا که بنظر آنها چنین محاکمه ای برای متهم غیر منصفانه بوده و در ضمن مخالف نظام حقوق داخلی آنها می باشد. معهذا باعث تأسف است که هرگونه محاکمه غیابی رد شده است، چونکه این امر دادگاه را با خطر رخوت مواجه می کند. به همین جهت دادگاه تلاش کرده است که چنین خلاءیی را در آئین نامه داخلی با پیش بینی تأیید علنی کیفر خواست از میان ببرد. اما این روندی است که ممکن است چندان مؤثر واقع نشود. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح ۱۹۹۲ خود هرگونه محاکمه غیابی را نفی نکرده است (ماده ۳۷).

بعلاوه، ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه برای یوگسلاوی سابق مربوط به همکاری و معاضدت قضایی است. این ماده، تعهدات مشخصی را برای دولتها بوجود می آورد و با توجه به آن حتی از الزامی بودن قطعنامه شورای امنیت سخن به میان آورده است. معذک میتوان در مورد تأثیر عملی چنین اعلامیهایی تردید داشت، و آن مستقل از تجزیه و تحلیلهای حقوقی است که قابلیت گسترش بسیار زیادی دارد.

اساسنامه دادگاه فقط مجازات حبس را پیش بینی کرده است (ماده ۲۴) و بنابراین به آن اجازه اعلام مجازات مرگ را نمیدهد. مجازاتها در دولتی که آمادگی پذیرش محکومین را دارد اجراء می شود. مقر دادگاه در شهر لاهه است (ماده ۳۱) و زبانهای کار دادگاه، همانند آنچه که در دیوان بین المللی دادگستری عمل می شود، انگلیسی و فرانسه است، اگر چه

برخی طرحها فقط زبان انگلیسی را برای زبان کار در نظر گرفته بودند. ویژگی اصلی اساسنامه دادگاه درخواست یک همکاری مهم از سوی دولتهایی است که مستقیماً با این مسأله مرتبط می باشند، و این همکاری نه فقط باید قبل از محاکمه وجود داشته باشد چونکه بدون تحویل جنایتکاران به سازمان ملل متحد توسط دولتهایی که آنها را در اختیار دارند امکان محاکمه وجود ندارد، بلکه همچنین این همکاری باید بعد از محاکمه نیز وجود داشته باشد چونکه مجازات در زندانهای یک دولت و نه در زندان ملل متحد اجرا می شود. لذا تصویب قوانین داخلی اغلب ضرورت دارد و برخی کشورها در اینمورد خود را متعهد کرده اند که اسپانیا (قانون اول ژوئن ۱۹۹۲) و فرانسه (قانون ۲ ژانویه ۱۹۹۵) از آن جمله اند. ولی این مسأله مشکلات عدیده حقوقی (دامنه صلاحیت جهانی در امور جزایی) و سیاسی ایجاد می کند؛ چونکه تضمین چندانی برای همکاری فیما بین دولتها وجود ندارد و وضعیت در اینمورد با وضعیت موجود در ۱۹۲۵ در هنگام ایجاد دادگاه نورمبرگ بسیار متفاوت است؛ و علاوه بر آن افرادی که ممکن است در مقابل دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق محاکمه شوند اغلب همانهایی هستند که جامعه جهانی برای مذاکره جهت دستیابی به توافق و راه حلی برای مشکلات ناشی از این مخاصمه در جستجویشان می باشد. علیرغم چنین مشکلاتی، برپایی این دادگاه در شرایط تقریباً خوبی انجام شد. یازده عضو دادگاه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۳ طبق ماده ۱۳ اساسنامه آن انتخاب و از ۱۷ نوامبر کار خود را آغاز نموده اند. دادگاه در روز بعد پرفسور آنتونیو کاسسه<sup>۸</sup> را بعنوان رئیس انتخاب نمود. نصب مدیر دفتر و دادستان کل مشکلاتی چند ایجاد نمود و تعداد زیادی مشکلات اداری و مالی مطرح شده اند. معذک، رئیس دادگاه در پائیز ۱۹۹۲ اعلام کرد که کلیه این مشکلات حل شده اند و سرانجام اولین کیفرخواستها توانستند صادر شوند. در اثنای این مدت دومین دادگاه ویژه ایجاد شده است.

8. Antonio CASSASE

## ب- ایجاد دادگاه بین‌المللی برای رواندا

بعد از سفاکی‌ها و انواع جنایتها و عمل زشت «پاکسازی قومی» که در قلب اروپا، در یوگسلاوی سابق و بطور مشخص‌تر در بوسنی-هرزه‌گوین، انجام شد، جامعه جهانی ناتوان نظاره‌گر قتل عامی بود که در ماه آوریل سال ۱۹۹۴ در رواندا، در قاره آفریقا، سرزمین قطعه قطعه شده توسط درگیریهای قومی، اتفاق افتاد. قتل عامی که باز هم افکار عمومی جهان را تکان داد و سازمان ملل متحد، براساس پیشنهاد آقای دنی-سگی، مخبر کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون کارشناسی، تصمیم گرفت که یک دادگاه ویژه جدید ایجاد کند. این دادگاه مسوول «محاكمه اشخاصی است که متهم به کشتار عام یا تجاوزات شدید به حقوق بشر دوستانه در سرزمین رواندا بوده و همچنین محاکمه شهروندان رواندایی را که متهم به ارتکاب به چنین اعمال یا تجاوزاتی در سرزمین دولتهای همسایه در فاصله زمانی اول ژانویه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ هستند به عهده دارد».

قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ همانند مورد یوگسلاوی سابق، مبتنی بر فصل هفتم منشور است و اساسنامه دادگاه ضمیمه آن می‌باشد که بطور عمده از اساسنامه دادگاه جزایی برای یوگسلاوی سابق الهام گرفته است.

هر دو دادگاه (دادگاه برای یوگسلاوی سابق و دادگاه برای رواندا) مرکب از یازده قاضی و سه شعبه می‌باشد. دو شعبه اول که رسیدگی بدوی می‌کنند هر یک دارای سه قاضی بوده و شعبه سوم که رسیدگی استینافی را به عهده دارد و از پنج قاضی تشکیل می‌شود میان دو دادگاه مشترک می‌باشد. دادستان نیز مشترک است: که همان قاضی آفریقای جنوبی آقای گلدستون<sup>۱۰</sup> می‌باشد. بنابراین وجوه مشترکی میان این دو نهاد وجود دارد، اما به هر حال جدا از یکدیگر می‌باشند، بخصوص از لحاظ مقر، چونکه دادگاه برای یوگسلاوی سابق در شهر لاهه (هلند) مستقر است

9. Degni-Ségué.

۱۰. این کمیسیون در ژوئیه ۱۹۹۴ بوجود آمده است.

11. Goldstone.

در حالی که دادگاه برای رواندا در قاره آفریقا، در شهر آروشا (تانزانیا)، قرار دارد. دولت رواندا در ابتدا تمایل داشت که این دادگاه حتی در شهر کیگالی (پایتخت این کشور) تشکیل شود که این تقاضا اعتراضاتی را برانگیخت.

بنابراین ایجاد دادگاه بین المللی برای رواندا خیلی سریع انجام شده است، ولی همانند مورد دادگاه یوگسلاوی سابق، مشکلات زیادی باید حل شوند و قبل از همه اراده سیاسی دولتها برای اینکه این محاکم بطور مؤثر عمل کنند و همانند طبل توخالی نباشند ضروری است.

#### نتیجه

روند ایجاد یک دادگاه جزایی بین المللی، با ایجاد دادگاه ویژه برای یوگسلاوی سابق در ۱۹۹۳ و تسریع کارها در جهت ایجاد یک دیوان کیفری بین المللی نشان دهنده گرایشهای فعلی و تضادهای جامعه بین المللی است که در جستجوی یک «نظم نو جهانی» می باشد. ایجاد دادگاه بین المللی برای یوگسلاوی سابق و سپس دادگاه مسؤول رسیدگی به جنایات ارتكابی در رواندا به عنوان اولین قدم به سوی ایجاد یک دادگاه جزایی بین المللی با صلاحیت جهانی تلقی شده است، دادگاهی که ممکن است بطور کامل سیاست «یک بام و دو هوا» را از میان ببرد. معذک عده ای از این ترس دارند که ایجاد دادگاه ویژه وسیله ای برای رفع اتهام نشود، یا بهانه ای جهت فرار از تعهدات پیش بینی شده در حقوق بین الملل بشردوستانه برای مجازات جنایتکاران جنگی نگردد، و از سوی دیگر، باعث تأخیر در ایجاد دادگاهی با صلاحیت عمومی نشود، برای پاسخ به اینها باید منتظر نتایج عملی این دادگاههای ویژه باشیم، که البته این خود نیاز به زمان و اندکی صرف وقت دارد. به هر حال می توان امیدوار بود که این ترسها بیهوده باشند و در آینده ای نزدیک ابزارهای ضروری برای زدودن ننگ ناشی از بی مجازات ماندن جنایتکارانی نظیر عیدی امین دادا، صدام حسین یا پول پوت بوجود آیند.